فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۰
صفحات ۱۳۶-۱۱۹

تحلیل محرومیت بخش مسکن روستایی در شهرستان‌های کشور

علیرضا دربان آستانه*؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
بهناز سادات بشیری؛ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۷/۱۶ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

چکیده

مسکن از نیازهای اولیه و ضروری هر فرد در جامعه است که عدم پاسخگویی یا پاسخگویی نادرست به آن، نهایتاً منجر به ایجاد پدیده بدمسکنی می‌شود. داشتن مسکنی مناسب حق هر فردی در جامعه به شمار می‌رود و این در حالی است که بسیاری از جمعیت شهری و روستایی در اقصی نقاط جهان از سرپناهی استاندارد محروم‌اند. بدمسکنی به طور اخص در کشورهای درحال توسعه قابل ملاحظه است، پدیده ای که با فقر رابطه مستقیمی دارد و می‌توان آن را از موانع توسعه دانست. مسئله بدمسکنی در شهرها عمدتاً حاصل جاذبه کلانشهرها و امکانات آن‌ها بوده، اما این پدیده در مناطق روستایی ناشی از مشکلات بیش از حد روستاییان در تأمین نیازهای اولیه است. هدف پژوهش رتبه‌بندی مناطق روستایی شهرستان‌های کشور به لحاظ وضعیت محرومیت در بخش مسکن روستایی است. روش مطالعه اسنادی است و داده‌های مورد نیاز مربوط به ۳۹۶ شهرستان کشور در سال ۱۳۹۰ از داده‌های سرشماری ۱۳۹۰ کشور استخراج گردید. برای انجام آن از روش‌های دلفی جهت وزن دهی به شاخص‌ها و روش ساده وزین بهره گرفته شده است و جهت نمایش وضعیت بدمسکنی استان های کشور از روش تحلیل خوشه ای استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد شهرستان‌های لالی (خوزستان)، سروستان (فارس)، بشاگرد (هرمزگان)، ملکشاهی (ایلام)، اندیکا (خوزستان) بدترین وضعیت بدمسکنی روستایی را در بین شهرستان‌های کشور برخوردارند. همچنین سطح‌بندی بدمسکنی به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهد استان فارس دارای بدترین و استان قم دارای بهترین وضعیت بدمسکنی روستایی در کشور بوده است.

واژگان کلیدی: مسکن، محرومیت بخش مسکن، فقر، مناطق روستایی.

* astaneali@ut.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

۱) مقدمه

مسکن مانند غذا یک نیاز اساسی و زیستی است و حق اجتماعی هر فرد و خانواده است (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۵). در اصل سی‌ویک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دسترسی به مسکن مناسب حق هر خانواده ایرانی محسوب شده است، سرپناه مناسبی که بتواند انسان را در برابر شرایط جوی مصون نگهداشته، به ساکنانش آرامش، سلامت و شادابی عرضه کند. در بین عناصر تشکیل‌دهنده بافت سکونتگاه‌های روستایی، مسکن یکی از عمده‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده آن است که سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط و چگونگی تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰). بنا به دیدگاه لوکوربوزیه، هر دو وجه نیازهای جسمی و روحی انسان باید با سازمان‌دهی فضایی خانه پاسخ داده شود (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). نیاز به مسکن دو بعد کمی و کیفی دارد. در بعد کمی نیاز به مسکن، به فقدان سرپناه و میزان دسترسی به مسکن مربوط می‌شود و در بعد کیفی مسائل و پدیده‌هایی مطرح می‌شوند که به بی‌مسکنی، بدمسکنی و تنگ مسکنی مربوط‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد بین فقر و کیفیت مسکن ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد (Tunstall, 2013; 7).

مسکن یکی از نگرانی عمده برای همه مردم در هر گوشه جهان است، چنانکه رفاه هر کشوری در میزان بهره گیری مردم آن از استانداردهای زندگی منعکس می‌شود. به اعتقاد صاحبنظران رضایت‌مندی از محله و محل سکونت از شاخص‌های مهم وضعیت و کیفیت مسکن است که بر کیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارد (Husina et al ,2011,72). یکی از مسائل مربوط به مسکن در جوامع، محرومیت و فقر در بخش مسکن است که با عبارات مختلفی از جمله bad housing، inadequate housing یا poor housing از آن نام برده می‌شود. اصطلاح بد مسکنی طیف گسترده‌ای از موضوعات مربوط به کیفیت مسکن از جمله تراکم بسیار زیاد، ناامنی، کیفیت نامناسب مصالح مورد استفاده در ساخت، زندگی در مناطق محروم را شامل می‌شود. طیف وسیعی از مشکلات بهداشتی که می توان به شرایط مسکن فقرا شامل اثرات روانی و فیزیولوژیکی و نیز میزان ابتلا به بیماری‌های همه‌گیر نسبت داد (Lisa Harker, 2006; 11). براساس آمار بانک جهانی بیش از یک میلیارد نفر در جهان فاقد مسکن مناسب هستند. در جنوب شرق آسیا از هر چهار نفر یکنفر در دچار بد مسکنی[1] است (Tatiana Nenova, 2010; 1). همچنین بر اساس آمار بانک توسعه قاره آمریکا ۱۰ تا ۱۵ میلیون خانوار در آمریکای لاتین که اغلب در نواحی روستایی زندگی می‌کنند، فاقد مسکن مناسب هستند (HHI, 2007; 5).

با آنکه وضعیت نابسامان مسکن از بارزترین جلوه‌های فقر در کشورهای در حال توسعه است؛ اما سازمان‌های مالی رسمی به منظور عرضه خدمات و سازماندهی توسعه اداری در جهت توانمندسازی اقشار

[1] bad housing

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

کم درآمد تلاش نمی‌کنند (زیاری و همکاران،۱۳۸۹: ۳). علی‌رغم تعیین آرمان‌های ایده آل در زمینه مسکن و ارائه راهبردهای مختلف به منظور تحقق این آرمان‌ها، شکاف طبقاتی بین گروه اقلیت دارای بهترین مسکن و گروه فاقد مسکن مناسب عمیق شده است. این موضوع بیانگر نامناسب بودن سیاست حمایت از تأمین مسکن به دلیل تمرکز بر گروه‌های کم درآمد روستایی با الهام از گروه‌بندی افراد جامعه روستایی بر اساس درآمد است (شیروانیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷).

عدم دسترسی به مسکنی با استانداردهای قابل قبول هر چند در درجه اول ممکن است از لحاظ کالبدی در سکونتگاه نمود یابد، اما آنچه مسلم است این است که این پدیده از فقر روستایی حاصل می‌آید و با خود مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراوانی را به دنبال دارد؛ حضور زاغه‌ها در شهرستان‌ها از شاخص‌های فقر است. در نتیجه جوامعی که با نرخ بالای بدمسکنی مواجه‌اند در مسیر توسعه‌یافتگی نیز دچار لغزش می‌شوند. شناسایی میزان و نحوه پراکندگی و همچنین حل این معضل در سکونتگاه‌های شهری و روستایی می‌تواند جامعه را به سمت توسعه سوق دهد (Housing Assistance Council, 2012; 16).

اهمیت مسکن در روستاها ناشی از پاسخگویی آن به نیازهای اصلی زیستی و اقتصادی جامعه روستایی است. مسکن در جامعه روستایی علاوه بر آنکه مأوایی مطمئن برای سکونت است، بخشی از فضای ضروری برای فعالیت اقتصادی در زمینه کشاورزی و دامداری نیز محسوب می‌شود (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳). در ایران براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد مصادیق بد مسکنی برابر با ۹۴۲۱۳ خانوار معادل ۰/۴۴درصد است؛ البته این میزان تنها شامل سکونتگاه‌هایی نظیر آلونک، کپر و زاغه است و شامل مساکنی که از سطح استاندارد پایین‌تر است، نیست و اگر میزان مساکنی که از سطح استاندارد پایین‌ترند را به آن اضافه کنیم، با رقمی بسیار بالاتر مواجه خواهیم بود. سیاست‌هایی که تا کنون جهت تأمین مسکن برای اقشار کم درآمد نظیر مسکن مهر اتخاذ گردیده‌اند نیز نتوانسته روستاییان را در وضعیت بهتری نسبت به سال ۱۳۸۵ قرار دهد، با توجه به آن که در سال ۱۳۸۵، ۷۱/۳۷ ٪ بدمسکنی شامل روستاییان می‌شد درحالی‌که با گذشت ۵ سال این میزان به ۷۸/۴ ٪ افزایش یافته است. این امر نمایانگر عدم موفقیت سیاست‌های اتخاذ شده در این زمینه است.

بررسی شاخص‌های بد مسکنی و ارزیابی آن در شهرستان‌های کشور در شناسایی مناطق محروم و بحرانی کمک می‌کند و می‌تواند ابزاری در اختیار مسئولان و برنامه‌ریزان برای بهبود این شاخص مهم کالبدی باشد. براین اساس مطالعه حاضر با هدف ارزیابی وضعیت بدمسکنی نواحی روستایی به تفکیک شهرستان‌های کشور انجام شد و در صدد پاسخ به این سؤال است که شاخص بدمسکنی در نواحی روستایی از چه توزیع فضایی برخوردار است؟

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

۲) مبانی نظری

مسکن کالایی بادوام، غیرمنقول، چندبعدی، غیرهمگن و بسیار پرهزینه است و در سازمان اجتماعی فضا نیز نقش بسیار مؤثری دارد. مسکن خردترین و کوچکترین شکل تجسم کالبدی رابطه متقابل انسان و محیط و خصوصی‌ترین فضای زندگی انسان است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱-۲). مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز دربر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است (پورمحمدی،۱۳۸۵: ۳). مسکن، کوچکترین شکل تجسم کالبدی را که رابطه متقابل انسان و محیط در آن تبلور یافته بیان می‌دارد. (بهرامی، ۱۳۹۰: ۹۶).

مسکن فضایی است که بتواند زمینه لازم برای رشد فردی و جمعی هریک از افراد خانوار را فراهم کند، به‌نحوی‌که آن‌ها بتوانند برحسب نیازهای روحی و روانی خود و نوع فعالیت مورد نظر، حریم لازم را بیابند (بهرامی، ۱۳۹۰: ۹۶). مسکن مناسب عبارت است از فضای سکونتی مناسبی که آسایش، دسترسی مناسب، امنیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی کافی، تهویه و دارای زیرساخت‌های اولیه مناسب مانند آبرسانی، بهداشت و آموزش، محیط زیست سالم، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه و همچنین زمینه رشد و تقویت روابط بین اعضای خانواده (ارتباط افقی) و روابط همسایگی (ارتباط عمودی) را برای ساکنانش فراهم آورد و مهم‌تر از همه متناسب با توان مالی خانوار باشد. (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲).

مسکن یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری است که به طور مستقیم بر رفاه و سلامتی او تاثیرگذار است (Corman, 2016: 77). به اعتقاد کارشناسان ویژگی و کیفیت مسکن نشانگر یک بسته از کیفیت کالاها و خدماتی است که زندگ خوب در تسهیل می‌کند و کلیدی برای دسترسی به محله خوب محسوب می‌شود به عبارت دیگر دیگر خصوصیات مسکن یک شاخص چند بعدی از کیفیت کالا و خدمات در اختیار خانواده و محله محسوب می‌شود(Adeoye, 2016; 261).

مسکن بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکرد چند بعدی که دارای ابعاد مختلف مکانی، معماری، کالبدی و فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، مالی، روان شناختی و پزشکی است (زیاری و همکاران، ۲، ۱۳۸۹). همان طور که دیدن یک منظره زیبا لذت‌بخش است، مسکن با فرم مطلوب بر روحیه افراد و شهروندان نیز تأثیرگذار است. (شاخص‌های اولیه مسکن مناسب) یکی از پیامدهای بنیادی ناپایداری نظام منطقه‌ای در فضای سرزمینی، پدیده حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است (طالشی و امیرفخریان، ۱۳۹۰: ۸۳).

مسکن ممکن است بد یا نامساعد باشد در صورتی که قادر نباشد تعدادی از افراد ساکن را به طور کافی در خود جای دهد یعنی در حال تحمل بیش از ظرف خود است.(Barnes el.,2013, 5). محیطی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

که مسکن در آن واقع شده است نیز مهم است، عوامل وابسته محلی شامل دسترسی به امکانات رفاهی، فضای سبز، مکان‌هایی جهت بازی کردن و آلودگی زیست‌محیطی است. همچنین عوامل روانی و اجتماعی نیز وجود دارند که در ایجاد مسکن خوب یا بد نقش ایفا می‌کنند. (همان) مسکن خوب و مناسب نشانگر رفاه عمومی جامعه است و مسکن بد و نامطلوب منجر به پیامدهای زیانباری از قبیل بیماری‌ها، بی‌بندوباری‌ها، تباهی و فساد جوانان جوامع می‌گردد (زیاری و همکاران، ۴:۱۳۸۹).

فقر مسکن یکی از جلوه‌های بارز کشورهای درحال توسعه به شمار می‌آید (زیاری و همکاران،۱:۱۳۸۹). عمق فقر مسکن روستایی به‌گونه‌ای است که خانوارهای روستایی به طور متوسط به حدود ۴۰ ٪ از نماگرهای مسکن مناسب محروم بوده است (شیروانیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۵). وجود واحدهای مسکونی نامناسب (بدمسکنی)، از معضلات اجتماعی جوامع امروز است. حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، هسته‌های خودرو از انواع بدمسکنی بوده است که از کیفیت پایین مسکن همراه با مشکلات دسترسی به خدمات، تراکم بالای نفر در واحد مسکونی رنج می‌برند بدمسکنی شامل زندگی در آلونک، زاغه، کپر، چادر و سکونتگاه‌های موقتی می‌شود که همواره‌شان انسانی را با خدشه مواجه می‌سازد و می‌توان از آن به عنوان بحرانی‌ترین شکل زیستن نام برد (Gopikuttan, 2002: 7).

زاغه‌ها و آلونک‌ها هر دو در مورد شرایط سخت زندگی و فقدان امکانات و خدمات بهداشتی و اجتماعی در زیرساخت‌های شهری مشترک هستند و در اصل تفاوت آن‌ها در مسأله مالکیت زمین است. از دیدگاه-های مختلف مثبت و منفی؛ نام‌ها و تعاریف گوناگونی برای آلونک‌ها درنظر گرفته شده است:۱- سکونتگاه‌های غیررسمی ۲- سکونتگاه‌های طبقه کم درآمد ۳- سکونتگاه‌های موقت ۴- سکونت‌گاه‌های ارگانیک ۵- سکونتگاه‌های بدون مجوز ۶- سکونتگاه‌های بی‌برنامه ۷- شهر آلونک‌ها.

آلونک در فرهنگ لغت عمید، خانه کوچک موقت که از چوب و مصالح کم‌دوام بسازند، تعریف گردیده است. همچنین فرهنگ لغت دهخدا آن را خانه خرد و بی‌ثبات و بی‌سامان معرفی نموده. آلونک، ساخت سرپناه با وسایل و مصالح کهنه مانند مقوا، حلب، نایلون و قطعات بی‌مصرف خودرو (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۰). بنابراین آلونک عبارت است از منطقه‌ای مسکونی که در آن هیچ ادعای مالکیت رسمی نسبت به زمین وجود ندارد. در نتیجه از لحاظ زیرساخت‌ها و خدمات معمولاً کفایت نمی‌کند. در تعریف این‌گونه سکونت‌گاه‌ها ۳ ویژگی وجود دارد که عبارت‌اند از ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و قانونی. باید گفته شود که اولین بار کلمه Squather یا آلونک در کنفرانس "زیستگاه" (Habitat Conference) در سال ۱۹۷۶ در شهر ونکوور کانادا با نوشته‌های آبرامس و جان ترنر مطرح شد. چنین تعریفی از سکونتگاه‌های غیررسمی که به طور طبیعی شکل گرفته‌اند باعث تغییر موضع دولت‌ها از دشمنی و مخالفت کامل به حس حمایت و کمک شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

کپر نیز در فرهنگ فارسی معین، خانه‌ای است که از نی و حصیر ساخته باشند. فرهنگ لغت عمید، زاغه را خانه کوچک و محقر فقرا می‌داند که معمولاً در حاشیه شهر قرار دارد. و زاغه‌نشینی عبارت است از کندن زاغه‌ای در کوه یا گودی در زمین برای سکونت (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۹). طبق تعریف ارائه شده از سوی مرکز آمار، خانوار معمولی ساکن، آن دسته از خانوارهای معمولی است که در اقامتگاه ثابت (مکان‌های محل سکونت ساخته شده از مصالح سخت و نیز چادر ثابت، آلونک و کپر) سکونت دارند به عنوان خانوار معمولی ساکن و بقیه به عنوان خانوار معمولی غیرساکن، تلقی می‌شوند. خانوار معمولی از یک یا چند نفر تشکیل می‌شود که در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. خانوار زاغه‌نشین به عنوان گروهی از افراد است که در زیر یک سقف در یک منطقه شهری زندگی می‌کنند و فاقد مسکن بادوام با ماهیت دائمی، فضای زندگی کافی (حداکثر سه نفر به ازای هر اتاق)، دسترسی آسان به آب سالم به مقدار کافی و با قیمت مقرون به صرفه، دسترسی به بهداشت مناسب و امنیت تصدی است (C. Duquea el., 2015:12).

عدم وجود مسکن با افزایش میزان بزهکاری، طلاق، ازهم گسیختگی‌های اجتماعی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد و به عنوان یک عامل بازدارنده در رشد و اعتلای اجتماعی، فرهنگی و روانی به شمار می‌رود. هم چنین نداشتن مسکن موجب پیدایش پدیده‌های نابهنجار اجتماعی از جمله خیابان خوابی، کارتن‌خوابی، آلونک‌نشینی، زاغه‌نشینی و معضلات حادتری مانند تکدی گری می‌شود که هر یک آسیب‌های روانی و شخصیتی خاصی را به دنبال دارد. مشکل مسکن موضوعی است که امروزه همه کشورها را به نوعی، متناسب با شرایطشان، گرفتار ساخته است. در حالی که در کشورهای پیشرفته، مسکن بعدی از رفاه اجتماعی بوده و برنامه‌های توسعه مسکن بر بهبود کیفی متمرکز هستند، در کشور ما مسکن یک نیاز اولیه محسوب شده و تأمین آن‌هم ردیف با تأمین غذا و پوشاک به شمار آمده است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰).

دیدگاه فرهنگ فقر، ابتدا از سوی اسکار لوئیس در سال ۱۹۵۹ ارائه شد. وی معتقد بود که فقرا، ارزش‌های منحط و عقب افتاده‌ای دارند که آن را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند. در نتیجه به اصرار بر زندگی در زاغه‌ها و آلونک‌ها پای می‌فشارند و شکل پیشرفته زیست را از لحاظ اقتصادی- اجتماعی و سیاسی نمی‌پذیرند بلکه با آن مقابله می‌کنند (شاطریان و اشنویی، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

آبرامس (۱۹۶۴) روند غیرقانونی اشغال زمین را «تصرف» زمین‌های مسکونی برای پناه گرفتن افراد می‌داند که توسط هر دو عامل قانون نیرو و نیروی قانون تعریف شده و جان ترنر با رویکردی مثبت نسبت به این سکونت‌گاه‌ها، آنها را راه‌حل مناسبی برای مشکل مسکن در مناطق شهری بسیاری از کشورهای درحال توسعه می‌داند. پین (۱۹۷۷) به گونه‌ای مشابه رشد آلونک‌ها را مختص توسعه و رشد شهری در شهرهای جهان سوم می‌داند و مسئله اجتناب‌ناپذیری آن را مطرح می‌کند. سکونت از نظر هایدگر،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

فرآیندی است که آدمی در جریان آن "مکان بودن" را تبدیل به خانه کرده و با چهار منبع اصلی تفکر یعنی خدا، خود، آسمان و زمین به برقراری هماهنگی می‌پردازد. بنابراین او مصیبت واقعی سکونت را کمبود مسکن ندانسته و به نوعی شاخص کیفیت را مطرح می‌کند، این که سکونت کردن فاقد فکر کردن و بنا کردنی مناسب و درخور او شده است. بی‌خانمانی نیز به نظر او، بیش از آن که نداشتن سقف بالای سر باشد بیگانگی از تعادل است، تعادل بین امر مادی و معنوی، بین زمین و آسمان (یاراحمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۳ و ۲۲۴). کوپر مارکوس سکونت را خلق جهان خود دانسته و معتقد است انسان با قبول مسئولیت آفرینش جهانی که برای سکونت انتخاب کرده است نه تنها ایجاد بی‌نظمی در آن را ایجاد بی‌نظمی در عالم می‌شمارد، بلکه عالم صغیر خود را شبیه به جهان خدایان می‌سازد و این چنین بدان خدایان قداست می‌بخشد (هاشم‌پور و کی‌نژاد،۱۳۹۱: ۱۵).

پژوهش پیش رو بدمسکنی مناطق روستایی را در دو مؤلفه جمعیتی و کالبدی بررسی می‌کند. به عبارت دیگر کمیت و کیفیت فضای مسکونی تحت تاثیر دو عامل کلیدی شامل کیفیت کالبد و فضای کالبد است. فضاب کالبدی یا شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی، میزان کمبود مسکن را نیز نشان می‌دهد. درصورتی که این شاخص عدد یک را نشان دهد، وضعیت مسکن بسیار مطلوب بوده و ازنظر کمی، کمبود مسکن وجود نخواهد داشت. این مفهوم در قالب شاخص جمعیتی مورد مطالعه گردیده است. در بعد فضای کالبدی عامل نسبت جمعیت در فضای کالبدی مطرح است در این بعد شاخص‌های تراکم خانوار کمتر از ۵ نفر و بیش از ۶ نفر، و در بعد کیفیت کالبدی شاخص‌های نسبت واحدهای مسکونی به صورت چادر، آلونک، زاغه و سکونتگاه‌های موقت مورد بررسی قرار می‌گیرند. در مجموع شاخص‌های یاد شده شاخص‌های سنجش بد مسکنی در نواحی روستایی را نشان می‌دهد که در قالب شکل ۱ نمایش داده شده است.

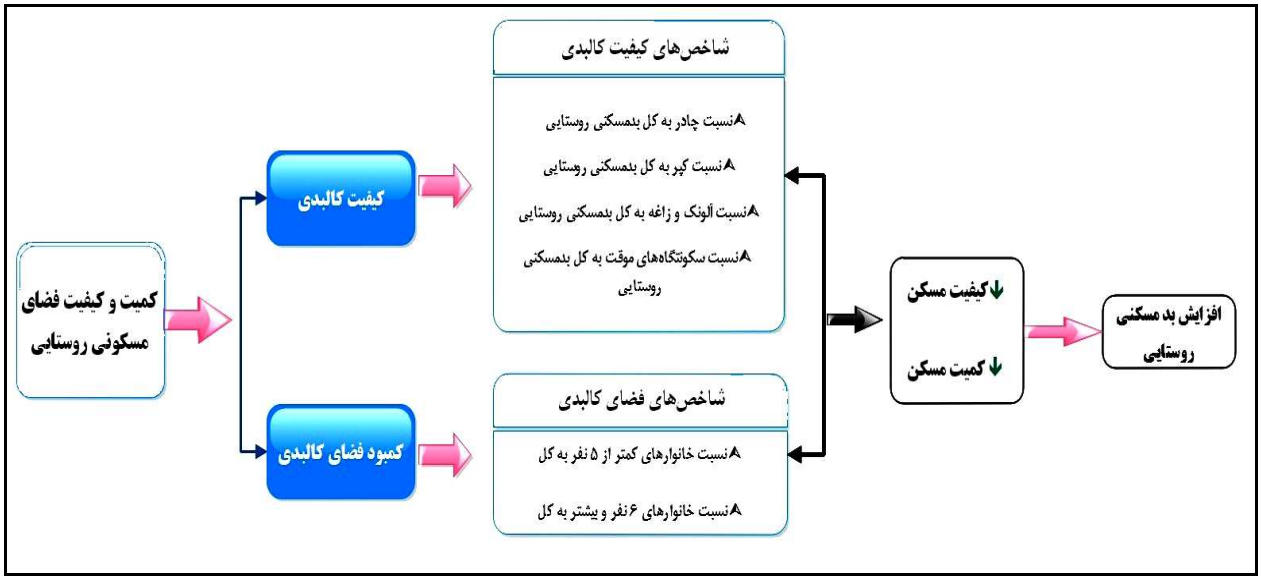

شکل شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

مطالعات بسیاری در زمینه حاشیه‌نشینی شهری، کیفیت مساکن شهری و روستایی انجام پذیرفته است اما در زمینه بدمسکنی روستایی به عنوان بحرانی‌ترین نوع سکونت تا کنون مطالعه جامعی تحت این عنوان صورت نپذیرفته است.

جدول شماره (۱): پیشینه تحقیقات انجام شده

نویسندگان	سال	نتایج تحقیق
ملکی	۱۳۸۸	در زمینه تأمین کمی مسکن که ایجاد تعداد کافی واحدهای مسکونی مناسب در ارتباط با نرخ افزایش جمعیت است، باید ابعاد این واحدها با ابعاد خانوار و دگرگونی‌های ناشی از آن متناسب باشد. بنابراین اتخاذ سیاست‌های مسکن جهت تأمین مسکن برای اقشار کم درآمد و کاهش بعد خانوارها همگام با سیاست ساخت مساکن اجتماعی و حمایت شده پیشنهاد گردیده است. در زمینه تأمین کیفی مسکن نیز، توسعه برنامه خانه‌سازی اجاره به شرط تملیک، کاهش هزینه مصالح و ملزومات ساختمانی، تراکم و مرتفع سازی یا همان ایجاد فرهنگ آپارتمان‌نشینی، ایجاد فرهنگ مرتفع سازی و بلند مرتبه سازی در مناطق حاشیه مناطق روستایی به منظور به حداقل رساندن حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی پیشنهاد گردیده است.
غفاری و بنایی ابرندآبادی	۱۳۹۰	خانه سالم خانه‌ای است که شرایط را برای عملی شدن کارکردهای اصلی خانه شامل: کمک به رشد جسمی و روحی، ایجاد زمینه برای شکوفایی استعدادها و تمرین رفتارهای اجتماعی ایجاد بکند. خانه سالم دارای فاکتورهایی برای کمک به پیشبرد این کارکردها است و عواملی که مانع این امر می‌شوند، فاکتورهای خانه ناسالم هستند. در واقع سالم بودن خانه با حضور ساکنان آن معنی پیدا می‌کند. نتایج وی نشان داده است که بیماری‌های اصلی مرتبط با خانه شامل عفونت‌ها، سرطان ریه، جراحات، مسمومیت‌ها، آلرژی‌ها، افسردگی، گوشه‌گیری، استرس و ... بوده است.
شیروانیان و بخشوده	۱۳۹۱	عمق و کیفیت فقر مسکن حاکم بر خانوارهای روستایی به‌گونه‌ای است که به طور متوسط این خانوارها از دسترسی به حدود دو پنجم شاخص‌های کیفی مسکن محروم بوده است. نتایج حاکی از آن است که تأمین امنیت فیزیکی مسکن، بیمه واحدهای مسکونی، کاهش تراکم در واحدهای مسکونی و تأمین آب‌لوله‌کشی، مهم‌ترین استراتژی‌های مقابله با فقر مسکن روستایی در ایران را تشکیل می‌دهند.
گلپایگانی و همکاران	۱۳۹۲	با اشاره به اینکه برخورداری از مسکن مطلوب فقط محدود به افزایش کمی آن نیست، پیشنهاد می‌کند تا با بازبینی دوباره برنامه‌های ساخت مسکن روستایی و رعایت تناسب بین افراد خانوار و تعداد اتاق‌های آن و با حفظ همان متوسط زیربنای در نظر گرفته شده، طراحی واحدهای مسکونی باید به صورتی انجام گیرد که اثرات ناشی از ازدحام جمعیت در مسکن تا حد ممکن کاهش یابد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

ادامه جدول شماره (۱): پیشینه تحقیقات انجام شده

نویسندگان	سال	نتایج تحقیق
جمشیدی و همکاران	۱۳۹۲	با استفاده از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های مسکن وضعیت مناطق روستایی شهرستان‌های استان ایلام بررسی و نهایتاً به سطح‌بندی نواحی روستایی منطقه مورد مطالعه با استفاده از شاخص‌ها پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که مناطق روستایی شهرستان شیروان و چرداول در بالاترین سطح و مناطق روستایی شهرستان‌های دهلران، دره شهر و آبدانان در پایین‌ترین سطح از حیث برخورداری از شاخص‌های مسکن قرار دارند.
ننووا	۲۰۱۰	نتایج مطالعه او نشان می دهد در کشورهای بنگلادش حدود ۵۰ درصد از کل واحدهای مسکونی، در هندوستان ۴۵ درصد، در پاکستان ۳۹ درصد و در سریلانکا ۲۰ درصد از کل واحدهای مسکونی به صورت موقتی (kutcha) است که بخش عظم آن در نواحی روستایی واقع شده است (Tatiana Nenova, 2010;3).
ادویی	۲۰۱۶	بررسی چالش‌های کیفیت مسکن در شهر اکوری[1] پرداخته شده و نتایج تحقیق نشان داده است کیفیت مسکن ۵۴/۴۴ درصد از جامعه آماری پایین‌تر از استاندارد قابل قبول است(Adeoye, 2016; 261).
یودو و یوآنگا	۲۰۱۳	پژوهش در نواحی روستایی ایالت آکوا ایبوم[2] در نیجریه انجام شده و در آن به بررسی ارتباط بین کیفیت مسکن و سلامت روستاییان پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان داد کیفیت مسکن تاثیر معنی‌دار و محسوسی بر شدت رواج بیماری‌ها دارد (Udoh1 and Uyanga, 2013: 34).

۳) روش تحقیق

برای انجام این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی جهت جمع‌آوری اطلاعات بهره گرفته شده است. داده‌ها از سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران گرفته شده، و در نرم افزار اکسل شاخص‌سازی انجام شده است. محدوده مورد مطالعه مناطق روستایی شهرستان‌های کشور طبق تقسیمات اداری- سیاسی سال ۱۳۹۰ است. با توجه به داده‌های موجود ۶ شاخص در ۲ مؤلفه کلی برای روستاهای ۳۹۶ شهرستان کشور ساخته شد (جدول ۲)، برای وزن دهی شاخص‌ها از روش دلفی پرسشنامه AHP طراحی گردیده و توسط کارشناسان و اساتید تکمیل و با بهره‌گیری از نرم افزار expert choice صورت پذیرفته و از تلفیق روش‌های AHP و روش ساده وزین (saw) استفاده شده است. شاخص‌های مورد نظر در پژوهش شامل موارد زیر است:

[1] Akure
[2] Akwa Ibom State

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

جدول شماره (۲): شاخص‌های سنجش بد مسکنی

مؤلفه‌های جمعیتی		مؤلفه‌های کالبدی			
نسبت خانوارهای ۶ نفر و بیشتر به کل	نسبت خانوارهای کمتر از ۵ نفر به کل	نسبت سکونتگاه‌های موقت به کل بدمسکنی روستایی	نسبت آلونک و زاغه به کل بدمسکنی روستایی	نسبت کپر به کل بدمسکنی روستایی	نسبت چادر به کل بدمسکنی روستایی

شاخص‌های کالبدی که این شاخص‌ها نمایانگر میزان تعداد انواع مساکن نامناسب است که از لحاظ کالبدی بر چهره سکونتگاه تأثیر بسزایی می‌گذارد. این شاخص خود شامل چهار زیرشاخه، کپرنشینی، آلونک و زاغه نشینی، چادر نشینی و سکونتگاه‌های موقت است. و شاخص‌های جمعیتی که نمایانگر میزان افراد ساکن در مساکن نامناسب روستایی است.

۴) یافته‌های تحقیق

مسکن به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه دارای ابعاد مختلف اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و فرهنگی است. مسکن مناسب ضمن تأمین نیازهای فردی و اجتماعی، باعث بهبود کیفیت زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود و در واقع مفهومی فراتر از سرپناه دارد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴). مسکن مناسب و استاندارد از شاخص‌های توسعه روستایی به شمار می‌آید. بنابراین، عدم دسترسی به مسکن مناسب و استاندارد که از شاخص‌های توسعه روستایی است، باعث بروز آسیب‌های روانی و اجتماعی در زندگی روستاییان و اختلال و ناهنجاری در بافت مسکونی روستاها و در نهایت بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی می‌گردد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱).

محله‌های زاغه‌نشین معمولاً زیرساخت‌های فیزیکی اساسی مانند آب آشامیدنی، فاضلاب، سیستم زباله‌های جامد، برق، راه و دسترسی اضطراری ندارد و فاقد خدمات اجتماعی پایه مانند آموزشی، بهداشتی و امکانات اجتماعی‌اند. تبعیض اجتماعی میان محلات مرفه و فقیرنشین باعث افزایش تنش در مناطق فقیرتر بوده و تحولات ناخواسته سکونتگاه‌ها، هزینه ارائه خدمات را افزایش می‌دهد (Abdel Aziz & M.Shawket, 2011, 231).

به طور کلی طبق آمار به دست آمده از مرکز آمار در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در کشور از میان ۹۴۲۱۳ خانوار دارای مسکن نامناسب، ۷۳۸۶۲ خانوار در مناطق روستایی معادل ۷۸/۴٪ از مسکن مناسب برخوردار نبوده است. این رقم بالای بدمسکنی در مناطق روستایی حاکی از وضعیت نامناسب اقتصادی روستاییان و فقر آن‌ها در تأمین این نیاز اولیه است (جدول ۳).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

جدول شماره (۳): نوع سکونت خانوارها

	واحدهای مسکونی	چادر	کپر	آلونک و زاغه	سایر	اظهار نشده
کل کشور	۲۱۱۵۹۰۳۳	۹۴۰۳	۵۸۱۹۹	۷۴۰۲	۱۹۲۰۹	۱۴۸۸۶
مناطق روستایی	۵۷۴۰۸۸۴	۸۷۳۳	۵۴۵۴۹	۴۰۷۷	۶۵۰۳	۳۶۱۳
درصد برخورداری از کل کشور	-	٪۸/۶۲	٪۵۳/۳۴	٪۶/۷۸	٪۱۷/۶۱	٪۱۳/۶۵
درصد برخورداری مناطق روستایی	-	٪۱۱/۲۷	٪۷۰/۴۱	٪۵/۲۶	٪۸/۳۹	٪۴/۶۷

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.

شاخص‌های مورد مطالعه در این پژوهش توسط کارشناسان و به روش سلسله مراتبی وزن دهی صورت پذیرفته، وزن نهایی شاخص‌ها به این صورت بوده است (جدول ۴). با توجه به اوزان به دست آمده، ابتدا ماتریس بی مقیاس از طریق روش بی مقیاس سازی خطی ایجاد گردیده است. پس از بی مقیاس-سازی، هر وزن در شاخص مورد نظر در ماتریس بی مقیاس ضرب شده و در نهایت اعداد سطرها با هم جمع شده تا وضعیت هر شهرستان از لحاظ برخورداری از مسکن نامناسب مشخص گردد.

جدول شماره (۴): وزن نهایی شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	کپرنشینی	آلونک و زاغه نشینی	چادرنشینی	سکونتگاه‌های موقت	خانوارهای کمتر از ۵ نفر	خانوارهای ۶ نفر و بیشتر
وزن نهایی	۰/۱۰۸	۰/۲۲۱	۰/۲۸۳	۰/۱۷۵	۰/۰۳۶	۰/۱۷۸

پس از ترکیب شاخص‌های مورد مطالعه با اوزان به دست آمده، وضعیت بدمسکنی روستاییان شهرستان‌های کشور مشخص شده است. در جدول ۵ وضعیت ۱۰ شهرستان با برخورداری از بیشترین بدمسکنی در نقاط روستایی آمده است (به دلیل حجم زیاد جدول از آوردن تمامی آن صرف نظر شده است). براین اساس شهرستان‌های لالی (خوزستان)، سروستان (فارس)، بشاگرد (هرمزگان)، ملکشاهی (ایلام)، اندیکا (خوزستان) بدترین وضعیت بدمسکنی روستایی را در بین شهرستان‌های کشور برخوردارند.

جدول شماره (۵): رتبه ۱۰ شهرستان اول از لحاظ محرومیت مسکن نقاط روستایی

استان	شهرستان	وزن نهایی	رتبه
خوزستان	لالی	۰/۳۹۶	۱
فارس	سروستان	۰/۳۳۴	۲
هرمزگان	بشاگرد	۰/۳۲۲	۳
ایلام	ملکشاهی	۰/۳۱۹	۴
خوزستان	اندیکا	۰/۲۹۷	۵
اردبیل	پارس آباد	۰/۲۸۸	۶
کرمان	عنبرآباد	۰/۲۸۵	۷
فارس	زرین دشت	۰/۲۸۵	۸
خراسان جنوبی	نهبندان	۰/۲۸۵	۹
فارس	استهبان	۰/۲۸۵	۱۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

به منظور درک بهتر از وضعیت بد مسکنی در سطح شهرستان‌های کشور از تکنیک Hotspot در نرم‌افزار Arcgis استفاده شد. توزیع آماری نتایج در جدول ۶ درج شده است. نتایج نشان می‌دهد شدت بد مسکنی در ۱۷/۹ درصد از شهرستان‌های کشور بد و ۱۶/۲ درصد از شهرستان‌های کشور نسبت به سایر شهرستان‌ها وضعیت خیلی بد، دارند و در مجموع ۶۵/۹ درصد از شهرستان‌های کشور در شرایط خوب و متوسطی قرار دارد.

جدول شماره (۶): فراوانی و گروه بندی محرومیت بخش مسکن شهرستان های کشور

وضع محرومیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۱۸۰	۴۵/۵	۴۵/۵
پایین	۲۹	۷/۳	۵۲/۸
متوسط	۵۲	۱۳/۱	۶۵/۹
بالا	۷۱	۱۷/۹	۸۳/۸
خیلی بالا	۶۴	۱۶/۲	۱۰۰
جمع	۳۹۶	۱۰۰	-

توزیع فضایی محرومیت بخش مسکن مناطق روستایی شهرستان‌های کشور توسط نقاط گرم و سرد[1] در شکل ۲) نمایش داده شده است. با توجه به نقشه حاصل از بدمسکنی روستایی، درمی‌یابیم که این پدیده از پراکندگی نسبی در سطح کشور برخوردار بوده و خاص یک منطقه نیست. مناطق جنوبی کشور به طور کلی از وضعیت مناسبی جهت سکونت روستاییان برخوردار نبوده و این امر حاکی از آن است که شیوه زندگی روستایی در مناطق روستایی جنوبی کشور با استانداردهای زندگی فاصله زیادی دارد و ساکنان آن از توانایی مالی جهت بهره‌مندی از مسکنی مناسب با شأن انسانی محروم‌اند. بهترین وضعیت نیز برای شهرستان‌های شمال غربی و مرکزی کشور فراهم آمده، تا با بهره‌مندی از کمترین مسکن نامناسب، گامی در جهت برخورداری از ابتدایی‌ترین ویژگی توسعه بردارند.

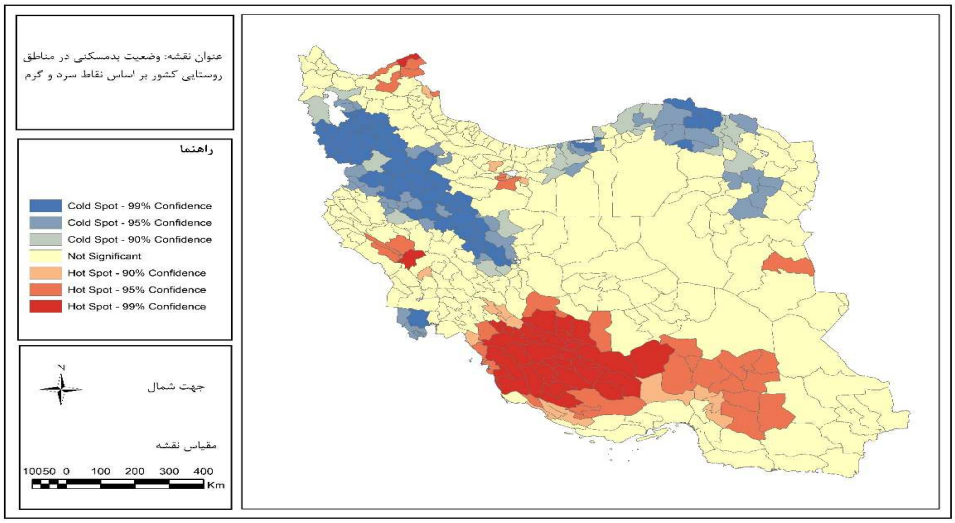

شکل شماره (۲): وضعیت محرومیت بخش مسکن مناطق روستایی شهرستان‌های کشور

[1] Hot Spot & Cold Spot

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

با ترکیب امتیازات هر استان، وضعیت بدمسکنی در مناطق روستایی استان‌های کشور به شرح زیر است. میزان میانگین امتیازات در استان‌های کشور برابر با ۰/۰۷۳ است. بنابراین استان‌هایی که بدمسکنی آن‌ها از این مقدار بالاتر است، با وضعیت بدمسکنی بیشتری مواجه بوده و در تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های لازمه، اولویت برخورداری از امکانات با این استان‌ها است. جدول ۷) نشانگر وضعیت بدمسکنی در استان‌های مختلف کشور است:

بدین ترتیب استان‌های فارس، کرمان و خوزستان به ترتیب دارای بدترین وضعیت از لحاظ بدمسکنی روستایی برخوردار بوده و بنابراین می‌بایست در اختصاص برنامه‌ها، در این استان‌ها به ویژه در مناطق روستایی، تجدید نظر صورت پذیرد. همچنین استان‌های قم، قزوین و همدان نیز با کمترین میزان برخورداری روستاییان از آنچه بدمسکنی خوانده می‌شود، در میان استان‌های کشور از وضعیت مناسبی برخوردار بوده است.

جدول (۳): رتبه بدمسکنی در استان های کشور

نام استان	امتیازات	رتبه	نام استان	امتیازات	رتبه
فارس	۰/۳۵	۱	گلستان	۰/۰۶	۱۷
کرمان	۰/۲۲	۲	مازندران	۰/۰۶	۱۸
خوزستان	۰/۱۴	۳	البرز	۰/۰۵	۱۹
گیلان	۰/۱۳	۴	آذربایجان غربی	۰/۰۴	۲۰
سیستان وبلوچستان	۰/۱۲	۵	یزد	۰/۰۴	۲۱
اصفهان	۰/۱۱	۶	کردستان	۰/۰۳	۲۲
تهران	۰/۱۱	۷	مرکزی	۰/۰۳	۲۳
خراسان رضوی	۰/۰۹	۸	کرمانشاه	۰/۰۳	۲۴
آذربایجان شرقی	۰/۰۹	۹	سمنان	۰/۰۱	۲۵
ایلام	۰/۰۹	۱۰	زنجان	۰/۰۱	۲۶
اردبیل	۰/۰۸	۱۱	چهارمحال وبختیاری	۰/۰۱	۲۷
خراسان جنوبی	۰/۰۸	۱۲	خراسان شمالی	۰/۰۱	۲۸
هرمزگان	۰/۰۸	۱۳	همدان	۰/۰۱	۲۹
بوشهر	۰/۰۷	۱۴	قزوین	۰/۰۱	۳۰
لرستان	۰/۰۷	۱۵	قم	-	۳۱
کهگیلویه بویراحمد	۰/۰۶	۱۶			

به منظور سطح‌بندی وضعیت بدمسکنی روستایی در استان‌های کشور از تکنیک تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی استفاده شد. نتایج دندروگرام تحلیل خوشه‌ای در شکل شماره ۲ درج شده است. براساس نتایج تحقیق پنج گروه بدمسکنی شناسایی شد. استان فارس در گروه اول و کرمان به تنهایی در گروه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

دوم دارای بدترین وضعیت بدمسکنی روستایی در بین استان‌های کشور محسوب می‌شوند و بعد از آن استان‌های خوزستان، گیلان، سیستان وبلوچستان، اصفهان، تهران در گروه سوم، استان‌های خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، ایلام، اردبیل، خراسان جنوبی، هرمزگان، بوشهر، لرستان، کهگیلویه وبویراحمد، گلستان، مازندران در گروه چهارم و در نهایت استان‌های البرز، آذربایجان غربی، یزد، کردستان، مرکزی، کرمانشاه، سمنان، زنجان، چهارمحال وبختیاری، خراسان شمالی، همدان، قزوین، قم در گروه پنجم قرار می‌گیرند.

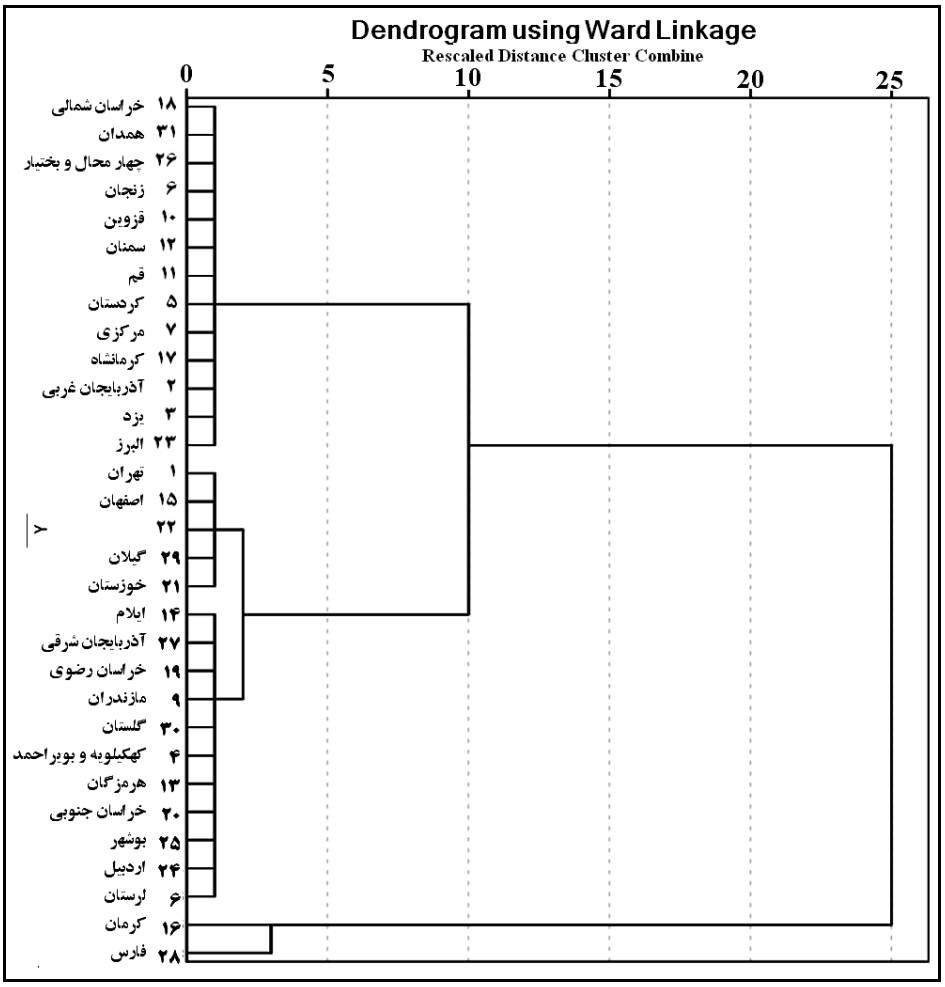

شکل(۳): دندروگرام تحلیل خوشه‌ای وضعیت محرومیت مسکن روستایی در استان‌های کشور

۵) نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت دستیابی به مسکن مناسب برای هر خانوار (اعم از شهری و روستایی)، پژوهش حاضر با هدف بررسی و رتبه‌بندی مناطق روستایی شهرستان‌های کشور به لحاظ وضعیت محرومیت در بخش مسکن روستایی انجام گرفته است. در این پژوهش با استفاده از تلفیق روش‌های ساده وزین (Saw) و AHP، به بررسی دو مؤلفه جمعیتی و کالبدی در قالب ۶ شاخص پرداخته و در نهایت رتبه‌بندی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

شهرستان‌ها انجام شد. همچنین برای رتبه‌بندی استان‌های کشور نیز از تکنیک تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی استفاده شده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، ایجاد شاخص‌های مرتبط با مسئله بدمسکنی و تلفیق آن‌ها با نظر کارشناسان، ۱۰ شهرستانی که با بیشترین میزان بد مسکنی مواجه‌اند عبارت است از: لالی، سروستان، بشاگرد، ملکشاهی، اندیکا، پارس‌آباد، عنبرآباد، زرین‌دشت، نهبندان و استهبان.

نتایج حاصل از بررسی بدمسکنی در مناطق روستایی استان‌های کشور، نشان داده است استان قم با عدم برخورداری از پدیده بدمسکنی و پس از آن، استان‌های قزوین و همدان با برخورداری از کمترین میزان بدمسکنی روستایی در بهترین شرایط و ۵ استان فارس، کرمان، خوزستان، گیلان و سیستان و بلوچستان به ترتیب با بیشترین وضعیت بدمسکنی روستایی مواجه‌اند. مطالعات اندکی به طور جامع به بررسی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نتایج مطالعه شیخ بیگلو و همکاران (۱۳۹۱: ۲۰۹) علی‌رغم تفاوت در هدف و نوع شاخص‌ها اما در نتیجه به خصوص نقاط محروم با یافته‌های این مطالعه شباهت دارد.

فارغ از نحوه متفاوت زندگی در روستاهای مختلف کشور و تفاوت وضعیت اقلیمی در بهره‌گیری از مصالح مورد استفاده در مساکن، دلیل اصلی پدیده بدمسکنی را می‌توان عدم برخورداری از توان مالی برای ایجاد حداقل استانداردهای زندگی است. راهکارهای بسیاری جهت تأمین مسکن مناسب تاکنون ارائه گردیده است، اما آنچه مسلم است این است که این راهکارها یا به‌درستی اتخاذ نگردیده‌اند و یا هرگز جامه عملی شدن به خود نگرفته‌اند. بااین‌حال راهکارهای زیر در صورت اجرا شدن می‌تواند مؤثر واقع گردد:

- *تخصیص وام و کمک‌های دولتی جهت ساخت مساکنی مستحکم؛*
- *در اولویت قرار دادن تأمین مسکن برای اقشار کم درآمد در سیاست‌های دولتی؛*
- *تغییر در نحوه نگرش برنامه ریزان و ایجاد فرهنگ برابری میان تمامی اقشار جامعه اعم از شهری و روستایی؛*
- *ایجاد اشتغال برای اقشار کم درآمد؛*
- *توجه بیشتر و در اولویت قرار دادن مناطق روستایی جنوب کشور به دلیل قرارگیری در بحرانی‌ترین وضعیت مسکن در برنامه‌های آینده.*

۶) منابع

- بهرامی، رحمت الله، (۱۳۹۰)، **تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه**، مسکن و محیط روستا، تابستان ، شماره ۱۳۴، ۹۶- ۱۰۴.
- پورطاهری، مهدی، (۱۳۹۳)، **کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا**، انتشارات سمت، چاپ چهارم، چاپ اول:۱۳۸۹، تهران .

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

- پورطاهری، مهدی، حمدالله سجادی قیداری و طاهره صادقلو، (۱۳۹۰)، **ارزیابی تطبیقی روش‌های رتبه بندی مخاطرات طبیعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: استان زنجان)**، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره سوم، صص ۳۱-۴۵.
- پورمحمدی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، **برنامه‌ریزی مسکن**، انتشارات سمت، چاپ اول۱۳۷۹، تهران.
- جمشیدی، علیرضا، داود جمینی، اسکندر صیدایی و مریم نجفی، (۱۳۹۲)، **تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان ایلام و سطح‌بندی آنها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای**، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۳، صص ۶۹-۸۸.
- رضوانی، محمدرضا، ابراهیم رستگار، ناصر بیات و خالد دارستان، (۱۳۹۳) ، **شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای دریافت تسهیلات اعتباری مسکن روستایی با تأکید بر عوامل مکانی-فضایی (مورد: سکونتگاه‌های بخش وراوی- شهرستان مهر)**، مسکن و محیط روستا، شماره۱۴۷، صص ۳-۱۶.
- زیاری، کرامت الله، فرهاد پرهیز، حافظ مهدنژاد و حسن اشتری، (۱۳۸۹)، **ارزیابی مسکن گروه‌های درآمدی و ارائه برنامه تأمین مسکن اقشار کم درآمد (نمونه موردی: استان لرستان)**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۴، صص ۱-۲۱.
- شاطریان، محسن و امیر اشنویی، (۱۳۹۲)، **عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کاشان (نمونه موردی محله غربت‌ها و پمپ رعیتی)**، جغرافیا، سال یازدهم، شماره ۳۶، صص ۲۰۱-۲۱۴.
- شیخ بیگلو، رعنا، مسعود تقوایی و وارثی حمیدرضا، (۱۳۹۱)، **تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری های توسعه در شهرستانهای ایران**، رفاه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۶ ، صص ۲۱۴-۱۸۹.
- شیروانیان، عبدالرسول، محمد بخشوده و سعید مهرجو، (۱۳۹۲)، **مقایسه رویکرد فقر درآمدی و رویکرد چندبعدی فقر مسکن در برنامه حمایت از مسکن روستایی در ایران**، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد۵، شماره۳، صص ۶۵-۸۱.
- طالشی، مصطفی و مصطفی امیر فخریان، (۱۳۹۰)، **ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی و آینده حاشیه‌نشینی در خراسان رضوی**، جغرافیا (فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، سال نهم، شماره۲۹، صص ۸۳-۱۰۷
- غفاری، علی و مریم بنایی ابرندآبادی، (۱۳۹۰) ، **خانه سالم چیست؟**، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳، ۱۵-۲۸
- گلپایگانی، عبدالعلی، خانجانی، نرگس و اعظم زیدآبادی، (۱۳۹۲)، **طرح مسکن روستایی و تاثیر آن بر شاخص‌های بهداشتی و ایمنی مسکن**، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۴، صص ۴۹-۵۸.
- لطفی، حیدر، مینو میرزایی، فرداد عدالتخواه، و وزیرپور شب بو، (۱۳۸۹)، **بحران حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در مدیریت کلان شهرها و رهیافت‌های جهانی**، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۳۵-۱۴۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سرشماری نفوس و مسکن، انتشارات مرکز آمار ایران.
- ملکی، سعید، (۱۳۸۸)، **بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان اهواز**، مسکن و محیط روستا، صص ۳۲-۴۹.
- یاراحمدی، محمود امیر، (۱۳۷۸)، **به سوی شهرسازی انسان‌گرا**، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

- Adeoye, D.O., (2016), **Challenges of Urban Housing Quality: Insights and Experiences of Akure, Nigeria**., Journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences, vol 216, pp: 260 – 268.
- Barnes, M., Cullinane, C., Scott, S. and H., Silvester, (2013), **People living in bad housing – numbers and health impacts**, NatCen Social Research pub.
- Corman, H., M.A. Curtis, K. Noonan, N.E. Reichman (2016), **Maternal depression as a risk factor for children's inadequate housing conditions**, Journal of Social Science & Medicine, vol:149, PP:76-83.
- Harker, L., (2006), **Chance of a lifetime The impact of bad housing on children's lives**, Shelter pub.
- Housing Assistance Council, (2012), **Taking Stock: Rural People, Poverty, and Housing in the 21st Century**, www.ruralhome.org/storage/documents/ ts2010/ts_full_report.pdf
- H.N. Husina, A.H. Nawawia, F. Ismaila, N. Khalilb, (2011), **Development of Hierarchy for Safety Elements and Its Attributes for Malaysia's Low Cost Housing**, Procedia Engineering 20, 71 – 79
- Nenova, T., (2010), **Expanding Housing Finance to the Underserved in South Asia**, Washington DC: The World Bank pub
- Juan C., Duquea, Jorge E. Patinoa, Luis A. Ruiz, Josep E. Pardo-Pascual, (2015), **Measuring intra-urban poverty using land cover and texture metrics derived from remote sensing data**, Landscape and Urban Planning 135, 11–21
- Tamer, A.A., and M.S., Indjy, (2011), **New strategy of upgrading slum areas in developing countries using vernacular trends to achieve a sustainable housing development**, Energy Procedia 6, 228–235.
- Udoh1, U and J., Uyanga, (2013), **Housing Conditions and Health in Rural Nigeria: A Study of Akwa Ibom State**, Journal of Research on Humanities and Social Sciences, Vol.3, No.18, pp: 34-41.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.119] [Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]